

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام

سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۱

صفحات ۱۳۹ - ۱۶۰

بررسی روش شناسانه‌ی کتاب‌الجمال و النصره لسید العتره فی حرب‌البصره اثر شیخ مفید

محمد رضا هدایت پناه^۱

چکیده

نقش دانشمندان شیعی، در توسعه دانش‌های مختلف، از جمله تاریخ‌نگاری، غیرقابل انکار است. وجود میراث گرانبهای علمای شیعه، در این زمینه، مؤید این مدعاست. هرچند، بسیاری از آنها در گذر زمان از میان رفته و تنها مختصری از آنها در منابع تاریخی اهل سنت، بازتاب یافته است؛ اما بی‌تردید، تلاش برای بازسازی آثار مفقوده شیعه، و تصحیح عالمانه متون برجای مانده، موجب برجسته شدن نقش شیعیان در تمدن اسلامی خواهد شد. کتاب‌الجمال، یکی از متون تاریخی شیعی است که به لحاظ روش‌مندی و استحکام متن، و نیز جایگاه نویسنده آن، از ارزش بسیاری برخوردار است. این کتاب ارزشمند، تألیف فقیه، متکلم و مورخ بزرگ شیعه، شیخ مفید است. نظر به قدمت و یگانگی این کتاب در باب جنگ‌الجمال، به عنوان یکی از مهمترین رویدادهای صدر اسلام، شایسته است، ارزش تاریخی آن، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. این امر، جز از راه شناسایی وجوه مختلف این کتاب، بویژه بینش و روش شیخ مفید و شناسایی منابع مورد استفاده وی و ارزشگذاری آنها، میسر نخواهد شد. این مقاله می‌کوشد تا با تکیه بر روش‌شناسی شیخ مفید، از عهده تحلیل مواضع علمی وی در کتاب‌الجمال برآید.

کلید واژگان

کتاب‌الجمال، شیخ مفید، روش‌شناسی، متواترات، اخبار مستفیضه، اخبار آحاد، عثمانیه

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. hedayatp@rihu.ac.ir

مقدمه

از دیرباز، در باب طرح موضوعاتی که می‌تواند میان اهل تشیع و تسنن، ایجاد حساسیت کند و یا موجب تنش در روابط آنها شود، دو دیدگاه متفاوت وجود داشته است. دیدگاه نخست، این است که برای پرهیز از تنش، هیچ‌گاه نباید در این‌گونه مباحث وارد شد؛ چرا که پرداختن به این موضوعات، جز دامن زدن به اختلافات ثمره دیگری ندارد، و هر قدر که از یک طرف به این‌گونه موضوعات پرداخته شود، بهتر آن است که طرف دیگر، سکوت پیشه کند. به زعم باورمندان به این رأی، پاسخ دادن، تنها سبب ملتهب شدن جو جامعه خواهد شد و هیچ نتیجه مطلوبی را به همراه نخواهد آورد. دیدگاه دوم، بر آن است که مباحثه و مناظره در باب این‌گونه موضوعات، نه تنها به گسترش دامنه اختلافات نمی‌انجامد، که در سایه طرح آراء متقن و شفاف عالمان فرهیخته - بر اساس جدال احسن که قرآن بدان سفارش کرده است - از یک سو، فرصت از غوغاسالاران افراطی و قشری مسلک هر دو گروه برای ورود به این عرصه‌ها ستانده می‌شود، و از سوس دیگر، به بسیاری از شبهات ناشی از سوء برداشتها و دروغ‌پردازی‌ها و شایعات نادانان و فتنه‌انگیزان و شیادان بدخواه در میان دو گروه، پاسخ داده می‌شود. پیروان این دیدگاه، معتقدند که سکوت، نه تنها چیزی را حل نمی‌کند، بلکه اولاً، بر دروغ‌پروازی‌ها و شایعات، مهر تأیید خواهد زد و ثانیاً، بازار دشمنان هر دو گروه، که منافع سیاسی خود را در ایجاد جوی آکنده از شبهه، فتنه و واگرایی مسلمانان می‌بینند، گرم خواهد کرد، و در نتیجه، حقیقت به مغاک خواهد رفت و بر تیرگی روابط فریقین افزوده خواهد شد. بی تردید، آنچه در مباحثات و مناظرات، برای هر دو گروه، مهم می‌نماید، پایبندی به اصول اخلاقی، عدم استناد به امور سست و ضعیف، بکارگیری زبان مشترک برای تبیین مبانی مورد وفاق، و نیز، احتجاج بر اساس مبانی مورد پذیرش طرف مقابل است. کتاب «الجمل» شیخ مفید در قرون گذشته، و کتاب «المراجعات» علامه شرف الدین و «الغدیر» علامه امینی در زمان معاصر، نمونه‌هایی از این‌گونه مباحثه‌ها و مناظره‌ها به شمار می‌آیند. بر این اساس، شناسایی و ارزش‌گذاری بر کتاب الجمل - از حیث منابع مورد استناد و روش استدلال - از اهمیت زیادی برخوردار است. چه، سزاوار است جامعه علمی ما از این میراث کهن شیعی، آشنایی بهتری حاصل کند.



حیات علمی شیخ مفید

ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید، از علمای بزرگ امامیه است. پدرش معلم بود؛ از این رو، شیخ را «ابن المعلم» می‌گفتند. به سال ۳۳۶هـ. در محله شیعه نشین کرخ بغداد، به دنیا آمد. نزد پدر و علمای عصر خود، علوم مختلف را آموخت و خود عالمی شد که در تمام حوزه‌های علمی، از فقه و حدیث و تفسیر تا کلام و تاریخ و شعر و ادب، تسلط کامل یافت، و رئیس مذهب امامیه در عصر خود شد. او شاگردانی نظیر: سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی و نجاشی تربیت کرد که هر کدام، از علمای طراز اول شیعه به شمار می‌روند. از این رو، ابن حجر عسقلانی، همه امامی مذهب‌ان را مدیون او می‌داند (ابن حجر، ۱۴۱۶: ۵/۳۶۸). نه تنها علمای امامیه، که بزرگانی از اهل سنت، نظیر: ابن جوزی، ذهبی، ابن کثیر و ابن حجر عسقلانی به عظمت علمی او اعتراف کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۸/۱۷؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ۱۷/۳۴۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۲/۳۶۸؛ ابن حجر، همان: ۵/۳۶۸). شیخ در نزد حاکمان شیعی آل بویه، از جایگاه رفیعی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که عضدالدوله به دیدار او می‌رفت (یافعی، ۳/۱۴۱۷: ۲۲؛ ذهبی، همان: ۱۷/۳۴۴).

در باب مذاهب مختلف، از دانش وسیعی برخوردار بود. کتاب‌های مخالفان را برمی‌رسید و پیرامون آنها مباحثه می‌کرد (ذهبی، همان: ۱۷/۳۴۴) و گاه با مخالفان به مناظره می‌نشست تا به گونه‌ای شایسته آنها با رویکردی علمی و متقن، به پاسداشت حریم تشیع قد افرازد. تلاش علمی شیخ، منحصر به بغداد نبود، بلکه همت او معطوف به دفاع از تشیع و رفع شبهات در سایر نقاط جهان اسلام نیز بود^۱. این خدمات بی‌بدیل زبان برخی مخالفانش را گشود چنانکه در هنگامه‌ی وفاتش نتوانستند شادی خود را کتمان و یا پنهان دارند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۴۴۹). مطابق گزارش منابع شیخ مفید در رمضان سال ۴۱۳ چشم از جهان فروبست و بی‌شماری از مخالفان و موافقانش که به روایتی هشتاد هزار نفر می‌شدند در تشییع جنازه او حاضر شدند. شاگردش سید مرتضی بر او نماز خواند، و در کنار مرقد مطهر امام کاظم (ع) به خاک سپرده شد

۱. این موضوع را می‌توان از رسائل او که برای شیعیان در نقاط مختلف جهان اسلام نظیر: جرجان، طبرستان، دینور، موصل، مصر و ... نوشته است به خوبی دریافت برای اطلاع بیشتر بنگرید به: (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۰۲).

(نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۰۲؛ طوسی، ۲۳۹: ۱۴۱۷؛ یافعی، ۱۳۳۷: ۳/ ۲۸).

او در طول حیات پر برکت خود، بیش از دویست عنوان کتاب در علوم مختلف که هریک در زمره‌ی میراث مکتوب شیعه است، به رشته تحریر درآورد. مهم‌ترین کتاب‌های او عبارتند از: المقنعه در فقه؛ الارشاد فی حجج‌الله علی العباد؛ اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات؛ تصحیح الاعتقاد بصواب الانتقاد؛ الافصاح فی الامامه؛ الامالی؛ العیون و المحاسن، و سرانجام الجمل، که موضوع این نوشتار است.

مطابق بررسی‌های صورت گرفته در انتساب الجمل به شیخ مفید میان مورخان اتفاق آراء است. شماری از شرح حال نگاران و علمای متقدم و متأخر شیعه هم چون: نجاشی، شیخ طوسی، ابن شهرآشوب و آغا بزرگ تهرانی بر صحت این انتساب، پای فشرده اند. (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۹۹؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۳۹؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶: ۱۴۸؛ آغا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۹۵). اگرچه منابع تاریخی از این کتاب، با سه عنوان مختلف همچون «الجمل»؛ «النصرة لسيد العترة في حرب البصرة»؛ «المسألة الكافئة في ابطال توبة الخاطئه» یاد کرده‌اند؛ اما استاد سید علی میرشریفی محقق اندیشمند کتاب الجمل، براین باور است که «جمل» و «نصرة» هر دو بخشی از یک کتابند؛ اما «المسألة الكافئة»، کتاب دیگری است که آنه هم منتسب با شیخ است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۶-۲۷).

کتاب الجمل: النقاط کلام و تاریخ

محور اصلی این کتاب، نخستین نزاع مسلحانه‌ی یا رویارویی نظامی مسلمانان یعنی جنگ جمل است که از عمده موضوعات بحث‌برانگیز و پردامنه در میان مسلمانان محسوب می‌شود. شیخ مفید، در این کتاب می‌کوشد با دو رویکرد کلامی و تاریخی به مواضع ناگتین پردازد. بدین معنی که او همچون مورخی صرف با این رویداد برخورد نکرده است تا از این ایستار، تنها به نقل واقعه جمل پردازد؛ بلکه او در وهله نخست، هم چون متکلمی تواند تلاش می‌کند از عقاید شیعه امامیه و مواضع امیرالمؤمنین(ع) بدرستی دفاع کند. چه، برای عالم متکلمی چون او، جنگ جمل پیش از آن که یک حادثه تاریخی بشمار آید موضوعی کاملاً اعتقادی است. از نظر او، محور این موضوع، امام مشروع و واجب الطاعه‌ای است که عده‌ای از بزرگان صحابه بر او شوریدند. رفتار



اینان در برابر امام، که مصداق بارز "بغی" و "فساد فی الارض" بود، وجوب جهاد را در پی آورد. جنگ جمل، صحنه عملکرد صحابه است؛ صحابه‌ای که اهل سنت در تنزیه و عدالت آنان مصرند و قائل به توبه آنانند. از این رو، شیخ مفید به صراحت بیان می‌کند که من با استناد به گزارش‌های مورخان اهل سنت، خواستم بطلان چنین ادعایی را نشان دهم، و آشکار سازم که آنان بدون هیچ عذر و بهانه، جنگی را به راه انداختند که در آن، قصدی جز لجاجت و عناد و ریختن خون امیر مؤمنان (ع) نداشتند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۲۳). به همین سبب، لازم شمرده است با دو رویکرد کلامی و تاریخی به این موضوع پردازد تا ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار دهد. از این رو، کتاب را در دو بخش کلامی و تاریخی تنظیم کرده است: بخشی را به آراء و اندیشه‌های فرقه‌های مختلف در باب این جنگ، و بخش دیگری را به گزارش تفصیلی جنگ، اختصاص داده است که توصیف این دو موضع در پی خواهد آمد.

بسترشناسی سیاسی - فکری کتاب

اهمیت و جایگاه ویژه «الجمل» شیخ مفید زمانی نمایان می‌شود که بتوان آگاهی لازم از ظرف زمانی و مکانی تألیف این کتاب، و شناخت بستر سیاسی-فکری آن را دریافت. بدیهی است بی شناخت این دو عامل نمی‌توان قضاوت صحیح و نگاهی جامع و منصفانه به جایگاه این کتاب داشت.

عصر شیخ مفید، از نظر سیاسی، زمانه‌ی برآمدن دولت‌های شیعی است؛ و از نظر فرهنگی، عصر تضارب آراء و بازار گرم گفتگوهای کلامی-تاریخی است. هر گروه و مذهبی، سعی بر آن داشت تا از اندیشه‌های خود دفاع کند. در این رویارویی فکری که هر فرقه‌ای، دانشمندان پرمایه خود را به میدان گفتگو آورده بودند، بی‌تردید، پیدایی کمترین ضعف، نتیجه‌ای جز نیستی و یا به حاشیه رفتن آن مذهب در پی نداشت. شاید بتوان چنین عرصه‌ای را برآیند امواجی دانست که پس از غیبت کبری پیرامون مساله امامت برخاسته بود و متکلمین اهل سنت را بر آن داشت تا ریشه‌های تفکر امامت شیعه را به چالش کشند (جمعی از مؤلفین، ۱۳۸۶: ۲/۲۲۳).

از میان مباحث بسیار حساس و جنجال برانگیز میان دو گروه تشیع و تسنن، در قرن چهارم و پنجم هجری، موضوع صحابه و عملکرد آنان اهمیتی بیشینه داشت. فرقه‌های

کلامی اهل سنت، نظیر: معتزله، مرجئه و حشویه (اهل الحدیث و حنابله) با اندکی اختلاف، در یک سو، و مذهب شیعه و امامیه در سوی دیگر، بر سر عملکرد صحابه وارد مناظره شدند. نتیجه این مناظرات که می‌توانست برای همه مسلمانان، فرصتی ثمربخش بشمار آید در دو موضوع خلاصه بود: یکی تعدیل در افکار و اندیشه‌های افراطی پیرامون صحابه، و دیگری، کشف راهی برای تقریب مذاهب اسلامی، بی دشواری معلوم است که بدون تعدیل اندیشه‌های افراطی و جزم‌گرایانه، هرگونه تلاش برای رسیدن به مقصود بی‌حاصل می‌نمود. متأسفانه، تلاش‌های ارزشمندی که برای رسیدن به این هدف صورت گرفت، با ورود افراط‌گرایان، از هر دو سو، و نیز آشفتن شدن فضای بیرونی گفتگوها، بواسطه دخالت سیاستمداران، ره به کامیابی نبرد.

بغداد، محل اصلی این گفتگوها بود. اهل حدیث و حنابله - که از زمان متوکل عباسی بر قدرت و نفوذ آنها در دستگاه خلافت افزوده شد - چنان فضای تنگ و خفقان‌آوری بر دگراندیشان - بویژه شیعیان - تحمیل کردند که روایات متواتر درباره فضایل علی (ع) و حتی توصیفات عادی فریاد اعتراض حتی برخی از محدثان اهل سنت از جمله ابن قتیبه را بر آورده بود (ابن قتیبه، ۱۴۱۵: ۴۱ - ۴۳). طبری با آن جایگاه رفیع علمی خود، به دلیل رد «حدیث جلوس»، و نوشتن کتاب الولایه و فضائل امیرالمؤمنین (ع)، چنان مورد اذیت و آزار حنابله بغداد قرار گرفت که کسی نمی‌توانست به دیدار او برود. خانه‌اش را سنگباران و او را به شیعی‌گری، و حتی الحاد، متهم کردند؛ به گونه‌ای که پس از مرگ، جسد وی از بیم ایداء این جماعت، شبانه در منزلش دفن شد (یاقوت حموی، ۱۴۰۸: ۱۸ / ۴۰ و ۴۳ و ۵۸ و ۸۴).

شاعران و خطیبانی، نظیر: ابوالحسن فارسی که بیشتر شعرهای شان در مدح صحابه و ذم شیعیان بود (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۹ / ۲۲۹؛ زرکلی، ۱۹۸۰: ۴ / ۳۲۸) در دامن زدن به این جو پر التهاب، مدخلیت داشتند. طبعاً این گونه فشارها و تنگناها، به تحریک شیعیان منجر می‌شد. شیعیان بغداد که در قرن چهارم رو به ازدیاد نهاده بودند، در مجالس خود، به مثالب صحابه می‌پرداختند. مسجد برائا، پایگاه شیعیان بغداد بود که ابوالعباس بن عقده، در آنجا به نقل فضایل علی (ع) و مثالب برخی از صحابه می‌پرداخت (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۵ / ۲۲). ابن خراش نیز، دو جزء در مثالب شیخین و صحابه نوشت (دارقطنی، ۱۴۰۴: ۲۴۱؛ ابن عدی، ۱۴۱۸: ۴ / ۳۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۱ / ۲۱۴). علی‌بن



بلیق (حاجب القاهر بالله خلیفه عباسی) و کاتب او - حسن بن هارون - بر منابر، به سبّ معاویه پرداختند که بازتاب گسترده‌ای از سوی مخالفین به خصوص بر بهاری و اصحابش داشت (ابن اثیر، همان: ۸/ ۲۸۳؛ ذهبی، همان: ۷/ ۲۴). این امر، خلیفه عباسی را به واکنش واداشت؛ به گونه‌ای که اعلام نمود هر کس، صحابه را به بدی یاد کند، ذمه خود را از او برخواهد داشت (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴/ ۲۷ و ۳۷: حوادث ۳۳۱ و ۳۳۲). با برآمدن دولت شیعی آل بویه و تسلط آن بر خلافت عباسی، اوضاع به سود شیعیان بهبود یافت و حیات سیاسی - مذهبی شیعه، وارد مرحله‌ای جدید شد. معزالدوله احمد، نخستین حاکم بویهی بر عراق، دست به اقدامات مهمی در ترویج شعائر شیعه در بغداد زد که هر یک به نوعی، به صحابه و عملکرد آنان باز می‌گشت. از جمله دستور داد بر در و دیوارها شعار «لعن الله معاویة بن ابی سفیان و لعن من غصب فاطمة رضی الله عنها فداکاً و من منع ان یدفن الحسن عند قبر جدّه و من نفی اباذر الغفاری» را نوشتند. حنبلیان بغداد که با شنیدن فضایل علی (ع) و اهل بیت (ع)، بر می‌آشفتمند (ابن قتیبه، ۱۴۰۵: ۴۲) طبیعی بود که این گونه شعارها، خشم آنها و سایر مذاهب اهل سنت را برانگیزاند؛ به گونه‌ای که آل بویه را وادار به پاک کردن آنها نمایند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴/ ۴۰). در همین زمان، وقتی شیعیان دیلمی و بویهی در بغداد، از نقل فضایل صحابه ممانعت به عمل آوردند - و به تعبیر ابن جوزی، سب سلف را بر دیوارها نوشتند - شافعی محمد بن عبدالله، به عمد و برای مقابله با شیعیان، در مسجد جامع بغداد - و مسجد خودش - به نقل و املائی فضایل صحابه پرداخت (ابن جوزی، همان: ۱۴/ ۱۷۳). برپایی مراسم عزاداری در روز عاشورا که لعن بر معاویه و یزید و شاید خلفای قبلی را هم به دنبال داشت، موجب درگیری‌هایی میان حنبلیان بغداد و شیعیان شد. آنان نیز برای مقابله با شیعیان، مراسم عزاداری در مَسْکِن، بر سر قبر مصعب بن زبیر، و نیز در روز هجدهم ذیحجه، به مناسبت روز غار^۱ برگزار کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱/ ۳۷۳). همچنین، در یک مراسم شبیه سازی جنگ جمل، کسانی در نقش عایشه، طلحه و زبیر وارد شدند تا وانمود کنند که می‌خواهند به جنگ اصحاب علی

۱. حرکت تقابل، از سوی افراطی‌ها تا بلدانجارسید که روز غار (هجرت به مدینه) که در اول ماه ربیع الاول بود، به ماه ذی الحجه انتقال یافت. این موضوع آن قدر مضحک بود که ابن کثیر، متصدیان این اعمال را از نادانان و بی‌خردان اهل سنت شمرده است. رک. (ابن کثیر، همان: ۱۱، ص ۳۷۳).

(ع) برونند (جعفریان، ۱۳۷۸: ۱/۳۶۳-۳۶۴). برپایی این گونه مراسم، تلویحاً و تصریحاً، ناظر به همگرایی و واگرایی نسبت به عملکرد صحابه بود که تصور می‌شد هویت مذهبی فرقه‌ها در گرو رد و یا قبول آن است.

طبیعی بود که این گونه رفتارهای تقابلی به درگیری و نزاع میان طرفین بیانجامد و حتی منجر به کشته و یا مجروح شدن افرادی از هر دو سو شود (ابن کثیر، ۱۰۴۸: ۱۱/۳۰۹؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۸/۵۵۸) و گاه، شخصیت‌های برجسته‌ای را به تبعید، و کتابخانه‌ها و مساجد و بازار را به آتش بکشاند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: حوادث سال‌های ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۲۲، ۴۰۸، ۳۹۸، ۳۹۳، ۳۸۹، ۳۵۳، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۰؛ ابن کثیر، همان: ۱۲/۲۳). تبعید شیخ مفید از بغداد، در سال‌های ۳۹۲ و ۳۹۸ (ابن جوزی، همان: ۱۵/۵۸ - ۵۹؛ ابن اثیر، همان: ۹/۱۷۸ و ۲۰۸) و سوزاندن کتابخانه شیخ طوسی و هجرت او از بغداد به نجف، در سال ۴۴۹، از جمله پیامدهای این درگیری‌ها بود (ابن جوزی، همان: ۱۶، ص ۷-۸). این مسائل، تنها منحصر به بغداد نبود، بلکه موضوع صحابه، در شرق و غرب جهان اسلام، یکی از دلایل اصلی بروز فتنه‌های تاثیرگذار در میان پیروان این دو فرقه بود (ابن جوزی، همان: ۱۶، ص ۷-۸؛ ابن اثیر، همان: ۹/۲۹۴؛ ابن کثیر، همان: ۱۱/۲۶۱).

در چنین شرایطی، تدوین کتاب الجمل شیخ مفید، با این که به ظاهر دارای موضوعی تنش‌زا بود، می‌توانست به مثابه الگویی مناسب برای طرح یک گفتمان نوین علمی و شیعی، در میان فرقه‌های اسلامی، تلقی شود تا فرصت را از غوغا سالاران جاهل و متعصبان قشری مسلک بستانند، و نزاع‌های کوچه بازاری- که امنیت جامعه را به خطر انداخته بود- به محافل علمی سوق دهد. بدیهی است در صورت توفیق، نه تنها مناظره‌های علمی و روشمند، هیچ گاه به واماندگی و فرسایش توان مسلمانان نمی‌انجامید، بلکه ترقی و بالندگی علمی آنان را به همراه می‌آورد. این، همان جدال احسن است که قرآن بدان سفارش نموده، و نتیجه آن، به قطع و یقین، رفع تهمت‌ها و سوء برداشت‌ها و ایجاد وحدت پایدار خواهد بود؛ امری که شاید به مذاق افراط‌گرایان، چندان خوشایند نباشد.

هدف شیخ مفید از تألیف کتاب الجمل

بغداد در عصر شیخ مفید، پایتخت فرهنگی جهان اسلام بود. پیروان مذاهب اسلامی،



در این شهر حضور داشتند و علمای برجسته، در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، به دفاع از آموزه‌های مذهب خود مشغول بودند. پایگاه علمی شیعیان نیز - تا پیش از تأسیس حوزه علمیه نجف - بغداد بود که برجسته‌ترین علمای شیعه از خاندان نوبختی، شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی و نجاشی را در خود جای داده بود. حضور فعال عقل‌گرایان معتزلی در بغداد، موجب شده بود که آراء علمی آنها، برخلاف آراء اهل حدیث و حنابله، مورد توجه عالمان شیعه قرار گیرد و پاسخ‌های درخور به آنها داده شود. از این رو، نوشته‌های شیخ مفید و سید مرتضی، در مواجهه با متکلمان معتزلی بغداد، نظیر: قاضی عبدالجبار، از عقل‌گرایی بیشتری برخوردار است.

از آنجا که در مجالس علمی مذاهب مختلف، دانشمندان مذاهب دیگر هم برای تضارب آراء، حضور می‌یافتند، شیخ مفید نیز در این مجالس شرکت می‌کرد و با علمای دیگر فرق اسلامی، در حوزه‌های مختلف، به مباحثه و گفتگو می‌پرداخت؛ که گاه تحسین دیگران را بر می‌انگیخت. بر اساس یک روایت، لقب مفید در یکی از همین مجالس، از سوی علی بن عیسی الرمانی به او داده شد. در مجلس قاضی عبدالجبار نیز، وقتی قاضی نتوانست به سؤال شیخ پاسخ دهد، او را به جای خود نشانند (خوانساری، ۱۳۹۰: ۶/۱۵۹). متقابلاً، علمای زیادی از مذاهب مختلف، در مجلس درس شیخ مفید شرکت می‌کردند (ابن کثیر، همان: ۱۲/۱۵).

در ابتدای کتاب، سؤال کننده‌ای که ناشناخته مانده - و البته از عبارت شیخ به نظر می‌رسد که شاید یکی از شاگردان خاص شیخ و یا از شیعیان اهل علم بوده است - از شیخ می‌خواهد تا در باره جنگ جمل و آراء دانشمندان فرقه‌های مختلف اسلامی پیرامون این حادثه، رساله‌ای بنویسد. با این که پیش از شیخ، تالیفاتی در باب جمل، از سوی مورخان شیعی و سنی به عمل آمده بود (ر. ک: ادامه مقاله) اما امتیاز کتاب الجمل شیخ مفید، در رویکرد کلامی و اعتقادی به این حادثه تاریخی است که از سوی دیگران تا پیش از این مغفول مانده بود. از آنجا که - حسب درخواست سؤال کننده - جمل نوشته‌های موجود، نتوانسته بود به نیازهای فکری زمانه پاسخی فراخور دهد، لذا شیخ مفید به انگیزه پر کردن این خلأ و برآورده کردن نیازهای فکری مشتاقان، به تالیف کتاب الجمل خویش همت گماشت (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۷ - ۴۸).

جهت شناسی و روش شناسی شیخ مفید در کتاب الجمل

منظور از جهت شناسی شیخ، ایضاح جایگاه و رویکرد او به موضوع است. هر مؤلفی می‌تواند با تکیه بر دانش تخصصی خود، از دیدگاه ویژه‌ای به موضوع مورد مطالعه‌اش بنگرد و آن را دنبال کند. بی‌تردید، شناخت این نگاه و جهت، برای قضاوت و ارزیابی اثر، بسیار مهم است.

هرچند در نگاه نخست عنوان کتاب شیخ بدیع نیست زیرا پیش از او پرشماری از مورخان شیعی در باره جنگ جمل، قلم به خامه کشیده‌اند و مواضع خود را در مورد شکل‌گیری و نتایج آن بیان داشته‌اند آثاری چون:

کتاب الجمل؛ جابر بن یزید جعفی (د. ۱۲۸)؛

کتاب الجمل؛ مصیح بن هلقام بن علوان عجلی (راوی از امام صادق)؛

کتاب الجمل؛ مؤمن الطاق محمد بن علی بن نعمان (از اصحاب امام صادق)؛

کتاب الجمل؛ هشام بن محمد بن سائب کلبی (د. ۲۰۴)؛

کتاب الجمل؛ احمد بن محمد بن خالد برقی (د. ۲۷۴)؛

کتاب الجمل؛ ابن ابی الجهم قابوسی منذر بن محمد بن المنذر (معاصر کلینی)؛

کتاب الجمل الکبیر؛ محمد بن زکریا بن دینار (د. ۲۹۸)؛

کتاب الجمل الصغیر؛ محمد بن زکریا بن دینار (د. ۲۹۸)؛

کتاب الجمل؛ ابو احمد عبدالعزیز جلودی الازدی (د. ۳۳۰)؛

کتاب الجمل؛ شیخ صدوق (د: ۳۸۱)؛

از مشابهت اسمی با کتاب شیخ برخوردارند. اما او با علم محتوای این آثار دست به قلم می‌برد تا به گونه‌ای متفاوت، به این حادثه بپردازد. وی در حین پردازش خود را در جایگاه یک مورخ، نظیر: طبری، یعقوبی، مسعودی و... قرار نمی‌دهد تا به نقل وقایع صرف بپردازد. از سویی هم نمی‌خواهد یک کتاب کلامی محض - بر اساس استدلال‌های عقلی - برای مخاطبانش بنگارد و یا همچون ادیبانی، سخت‌نویس اثری ادبی به جامعه فرهنگی خود عرضه نماید. زیرا او بدرستی دریافته بود که نیاز هم عصرانش، نه روخوانی گزارش‌های صرف تاریخی است؛ و نه دست‌یابی به یک کتاب کلامی یا ادبی.



چه، این حوزه‌ها برای خود نمایندگانی متبخر داشت که به نظر بسیار فعال هم بودند و اگر چنین نیازی احساس می‌شد، آنها به آسانی از عهده‌ی پاسخگویی برمی‌آمدند و دیگر نیازی به ورود فقیه و کتکلمی برجسته چون شیخ مفید به این عرصه‌ها نبود. آنچه شیخ مفید را بر آن داشت تا به تألیف این کتاب همت گمارد، جایگاه مرجعیت علمی و ریاست او بر امامیه است که می‌بایست از همین ایستار، شیعیان را در رویارویی با مکاتب دیگر، از حیرت و شک برمی‌رهاند و شبهاتی را که از هر سو در عصر آنها قدافراشته بود، به شیوه‌ای عقل مدارانه پاسخ گوید. از این رو، همت خود را به تألیفی کاربردی معطوف داشت تا از یک سو، با تسلط کامل بر گزاره‌های این واقعه، و تشخیص خبر صحیح از سقیم، متن منقحی را در باب جمل پدید آورد و از سوی دیگر، با تسلط بر اندیشه‌های فرق اسلامی، نیازهای فکری و فرهنگی جامعه عصر خود را به خوبی پاسخ دهد؛ کاری که به قطع و یقین، از هر کسی بر نمی‌آمد.

علاوه بر جهت شناسی شیخ مفید، روش شناسی او نیز حائز در این خلال حائز اهمیت است. شیخ به خوبی بر اوضاع سیاسی و فکری فرهنگی بغداد واقف بود. از یک سو، می‌دانست که مخالفان پرنفوذی در این شهر حضور دارند که تکاپوی شیعیان را در عرصه‌های فکری و فرهنگی، رصد می‌کنند. از سوی دیگر، موضوعی که از او درخواست شده بود، بحث برانگیز -و تا حدی چالش آفرین- می‌نمود. با عنایت به این دو موضوع است که اهمیت روش شیخ، آشکار می‌شود. اگر او در کار خود، از حیث رویکرد تاریخی اجتماعی، به خطا می‌رفت، بهانه خوبی به دست مخالفان افراطی می‌داد تا بر بستر پر تنش جامعه بغداد، جنجالی بزرگ پدید آورند و شیخ بزرگ شیعه آماج تبلیغات خود قرار داده، او را منزوی کنند.

با دقت و تأمل در کتاب جمل، دو اصل بسیار مهم در روش شیخ مفید به خوبی قابل مشاهده و اثبات است که شاید برای یک پژوهشگر تاریخ در زمان معاصر کاری بس دشوار - و در مواردی غیر ممکن - باشد. این دو اصل عبارتند از: ۱. استناد به متواترات و اخبار مستفیضه ۲. استناد به مراجع اولیه.

۱. تواتر و استفاضه

بحث تواتر و استفاضه، در حقیقت، یک بحث اصولی است و اصولیان در باب

حجیت اخبار، این بحث را مطرح کرده‌اند که اصل اولیه آن است که فقها تنها باید به امور قطیعه و یقینی استناد کنند. چه، امور ظنی غیر قابل اعتماد و فاقد حجیت است. بر این اساس، تا زمان شیخ مفید، در نزد اصولیان شیعه، فقط خبر متواتر و مستفیضه - که یقین‌آور بود - حجیت داشت اما اخبار آحاد - که ظنی بود - مورد استناد قرار نمی‌گرفت. کیفیت استدلال‌های مطرح شده از سوی قاضی عبدالحجبار معتزلی، در تثبیت دلائل الامامه و کتاب المغنی او، نشان می‌دهد که این اصل، مورد قبول اهل سنت و یا حداقل معتزلیان نیز بود. شیخ مفید نیز بارها با تأکید بر این امر، تنها به اخبار و احادیث متواتر مشهور و مستفیضه و مورد اتفاق و اجماع استناد می‌کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۳).

بنابراین، تأکید آموزه‌های اصولی این روزگار مبنی بر عدم حجیت خبر واحد و نیز حساسیت جامعه اهل سنت بغداد در باب عملکرد صحابه، شیخ مفید را تا سر حد وسواس واداشت تا روش تاریخی خود را بر خلاف شیوه‌های رایج در مباحث تاریخی، بر اصول عملی و یقینی بنا نهد و از روش ظنی دوری گزیند و بر اخبار ضعیف، تکیه نکند؛ تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد. به عبارت دیگر، شیخ، مخاطب خود را یک سؤال‌کننده شیعی فرض نکرد تا بر روشی تکیه کند که از نظر مبنایی مورد پذیرش دیگران نباشد، بلکه موضوع را فرافره‌ای نگریست (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۲۳) و با زبان مشترک، آن را تدوین و طرح کرد. او در این کار، حتی به مورخان و منابع معتبر اهل سنت نیز استناد می‌کند تا شائبه هیچ‌گونه تعصب‌گرایی در میان نباشد. از همین رو، در ابتدا و انتهای کتاب تصریح می‌نماید که اخباری که بیان شد از رجال عامه بود و به منابع و روایات خاصه (شیعه) استنادی نشد (همانجا). این موضوع، در روش‌شناسی شیخ - در بحث تواتر و اخبار مستفیضه - حائز اهمیت است. زیرا با توجه به این شرطی که شیخ برای خود گذاشته، تواتر مورد نظر او برای اثبات مدعا و اقناع مخالفان تواتر خارج از منابع شیعی است که اگر منابع شیعی را نیز به این تواتر بیفزاییم، ارزش کتاب شیخ دو چندان می‌شود.

اثبات این که شیخ در روش خود، به اصل حجیت تواتر و استفاضه و عدم حجیت خبر واحد تا چه اندازه در کتاب الجمل پایبند بوده، کار آسانی نیست. چه، این کار مستلزم بررسی دقیق، عمیق و گسترده اثر اوست. گو این که خود شیخ، متوجه این نکته بوده که مخالفان، عملکرد وی را در این باره - اگر نه در تمام موارد اما در برخی موارد -



نپذیرفته و او را به استناد به خبر واحد متهم کرده‌اند. از این رو، به شبهه مخالفان به خوبی پاسخ داده است (همان: ۸۰ - ۸۶).

علاوه بر این، حداقل با تأکیدهای مکرر شیخ بر تواتر و استفاضه بودن و شهرت اخبار و مستندات او می‌توان گفت که برای وی، این اصل ثابت بوده‌است؛ هر چند اثبات آن برای ما در مواردی با سختی و اشکال روبرو باشد؛ و البته، این یک امر طبیعی است و می‌تواند ناشی از مفقود شدن بسیاری از منابعی باشد که هزار سال پیش نزد شیخ وجود داشته اما اینک اثری از آنان بر جای نمانده است. به طور نمونه کتاب الجمل واقدی و مدائنی و دیگر منابعی که شیخ بارها بدان‌ها استناد کرده از منابع مفقوده هستند و تنها آگاهی ما از مطالب آنها از طریق کتاب‌هایی چون الجمل شیخ مفید و یا شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است. بنابراین نباید عجولانه قضاوت نمود و شیخ را به خارج شدن از اصل و روش تاریخی - حدیثی خود متهم کرد چنان که همین موضوع در تألیف‌های معاصران او نظیر قاضی عبدالجبار معتزلی در کتاب «تثبیت دلائل النبوه» و سید مرتضی در «الشافی فی الامامه» پیرامون مباحث تاریخی قابل مشاهده است؛ این درحالی است که هر دوی اینها به عدم حجیت خبر واحد معتقد و بر تواتر مستندات خود اصرار ورزیده‌اند. این نکته را نباید از یاد برد که روش مختار شیخ مفید در تقید به تواتر و اخبار مستفیضه و مشهوره علما و مورخان، حقیقتاً امری دشوار بوده است. همین قدر معلوم است که بخشی از مطالب شیخ، مستند به احادیثی است که مدعی شهرت روایی و استفاضه و تواتر قریب به اتفاق آنها است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۰ - ۸۱) و هیچ کس بر صحت آنها ایرادی نگرفته است. وی چنان به این ادعاهای خود مطمئن است که می‌گوید: این گونه اخبار چنان مسلم هستند که نیازی به جمع آوری سند ندارد (همان: ۸۰ - ۸۱).

از همین رو، شیخ در مباحث حدیثی، منبع حدیثی ارائه نکرده است اما صحت استفاضه و تواتر و اتفاق که مدعای شیخ است، با ارجاعات زیاد محقق کتاب به منابع معتبر حدیثی اهل سنت - به صورت ضمنی - تأیید شده است. بر این اساس، چنانچه به سند برخی از این احادیث، اشکالی وارد باشد، از اعتبار آنها نمی‌کاهد و ضرری متوجه مدعا نمی‌سازد. بخش دیگری از مستندات شیخ، منابع مکتوب است که تحقیق و بررسی آنها مجال دیگری می‌طلبد و تنها در ادامه، به آنها اشاره‌ای

خواهد شد.

۲. استناد به مراجع اولیه

عصر شیخ مفید نزدیک به عصر محدثان و مورخانی است که امروزه کتاب‌های آنان در پهنه جهان اسلام، از منابع مهم و بلکه مرجع شناخت اخبار و تاریخ اسلام به شمار می‌آیند. مثلاً طبری (م ۳۱۰) و مسعودی (م ۳۴۶) ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶) با فاصله اندکی پیش از شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳) می‌زیسته‌اند. افراد دیگری نظیر: ابن سعد (۲۳۰)، احمد بن حنبل (۲۴۱)، ابن قتیبه دینوری (۲۷۶)، بلاذری (۲۷۹)، ابوحنیفه دینوری (۲۸۲)، یعقوبی (۲۸۴)، ابن شبه نمیری (۲۶۲) نسائی (۳۰۳)، ابویعلی موصلی (۳۰۷) که با فاصله ای حدود یک قرن پیش از او بوده‌اند، آثارشان به راحتی در دسترس عموم -مخصوصاً شیخ مفید- بوده‌است. کسانی هم، دقیقاً معاصر او بوده‌اند.

از طرفی، بغداد قرن سوم و چهارم، مرکز اجتماع علما و پایتخت علمی جهان اسلام بود که از این حیث دسترسی به منابع و تألیف‌های این دانشمندان، کار دشواری نبود. شاهد مدعا، کتاب فهرست ابن ندیم و رجال نجاشی و فهرست طوسی است. نجاشی و شیخ طوسی بارها به این نکته تصریح کرده‌اند که طریق آنان بر کتاب‌هایی که برشمرده‌اند، از سوی استادشان شیخ مفید بوده‌است. این امر، گویای آن است که در کتابخانه شیخ، منابع کهن زیادی وجود داشته است.

با توجه به این دو مطلب، دسترسی به منابع و تألیف‌های این دانشمندان برای کسی چون شیخ مفید که می‌خواست اخبار پیرامون یک موضوع تاریخی را جمع‌آوری کند، کار چندان مشکلی نبود اما روش شیخ، کپی برداری از منابع واسطه‌ای افرادی که اندکی پیش از او و یا معاصر او بودند - که البته هم اینک برای ما منابع کهن و اصلی محسوب می‌شوند - نبوده‌است. وقتی همان مواد اولیه‌ای که طبری در تدوین تاریخ خود از آنها بهره می‌گرفت، در این روزگار، برای شیخ مفید هم وجود داشت، وی چه نیازی به واسطه داشت تا بعدها کسانی در این روش، بر او خرده بگیرند. لذا شیخ ترجیح داد که به مورخان نسل اول نظیر: ابن اسحاق، ابوالحسن مدائنی، ابومخنف، واقدی، ابوحذیفه قرشی، نصر بن مزاحم منقری و دیگر منابع اولیه و متکلمانی چون



بشر بن معتمر، ابوموسی المرادار (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۶)، جعفر بن مبشر (همان: ۲۰۸)، اسکافی (همان: ۲۱۳) جاحظ و راوندی (همان: ۶۵) تکیه کند.

بررسی منابع شیخ، در الجمل، این موضوع را آشکار می‌کند که شیخ به روش متداول مورخان پیشین و معاصر خود، گزارش حوادث جنگ جمل را از دو یا سه کتاب مهم و اصلی برگرفته و گزارش‌های پراکنده دیگری که متمم و مکمل گزارش‌های آن دو یا سه منبع اصلی وی بوده، بر آنها افزوده است. این منابع اصلی عبارتند از: الجمل واقدی، الجمل ابومخنف، الجمل ابوالحسن مدائنی. این امر موجب رویش این پرسش، در باب روش‌شناسی تاریخی شیخ مفید، می‌شود که با توجه به اصل استناد به اخبار علم آور و یقینی (اخبار متواتر، مستفیضه و مشاوره)، چگونه شیخ، شاکله کتاب خود را بر این دو یا سه کتاب، بنا نهاده است؟

به نظر می‌رسد شیخ، متوجه این شبهه بوده و از این رو بدون این که اشاره‌ای به شبهه مذکور کرده باشد، در موارد متعدد تاکید می‌کند که این گزارش‌ها را واقدی و ابومخنف و دیگر مورخان و اصحاب سیر آورده‌اند (همان: ۲۷۲). در جای دیگر می‌گوید: «آنچه آوردیم در مصنفات اصحاب سیر موجود است» (همان: ۱۶۷) و یا «ما به شرح جنگ جمل بر اساس اخبار مستفیضه میان علمای سیر می‌پردازیم» (همان: ۲۲۵). این تاکیدها دقیقاً نشان می‌دهد که شیخ متوجه موضوع یاد شده، بوده‌است و برای این که تصور نشود گزارش‌های او منحصر به این دو کتاب است و در نتیجه از اصل حجیت اخبار متواتر و مستفیضه خارج شده، پیوسته بر این که این گزارش‌ها در کتب اصحاب سیر موجود است تاکید می‌کند. البته انتخاب این چند کتاب، دلایل دیگری از جمله، اعتبار نویسنده و کتاب، و یا دشمنی برخی از نویسندگان این منابع و یا جامعیت گزارش آنها داشته است. از باب نمونه، شیخ در باره واقدی، در چند موضع، این مطلب را بیان می‌دارد که انتخاب او به دلیل عثمانی بودن وی است تا شائبه هر گونه انتخاب یک سویه منتفی شود (همان: ۱۱۲ و ۱۳۱). او نمی‌خواست کتابی تدوین کند که مخالفان در اعتبار اخبار آن خدشه وارد کنند. از همین رو، در ابتدای برخی از گزارش‌ها، به نقل از واقدی چنین می‌گوید: «و روی الواقدی عن رجاله العثمانيه» (همان: ۳۷۸).

معرفی بخش‌ها و فصول کتاب

کتاب از دو بخش کلامی و تاریخی تشکیل شده است. شیخ، ابتدا در بخش نخست - بدون نقد و نظر - به نقل آرا و نظریه‌های دانشمندان مذاهب مختلف در باره دو گروه مسلمانان در جنگ جمل می‌پردازد و سپس با ادله، به رد و نقد گفته‌های مذاهب مختلف و اثبات نظریه شیعه روی می‌آورد. عمده این مذاهب و گروه‌ها عبارتند از: قاعدین، حشویه و اهل حدیث، معتزله، خوارج و شیعه. شیخ - به گفته خود - با برخی از این دانشمندان به مناظره پرداخته و خود شاهد گفته‌های آنان در این باره بوده است (همان: ۵۶ و ۵۸).

او برای اثبات نظریه شیعه، به بحث‌های مهم کلامی - تاریخی - و البته با رویکردی جامع نگر که مورد پذیرش مخالفان است - می‌پردازد و حقانیت امیرالمؤمنین (ع) را در رابطه با جهاد با اصحاب جمل، به اثبات می‌رساند. شیخ، به تفصیل، به اعمال عثمان که منجر به قیام عمومی بر ضد او شد توجه می‌کند و در این ارتباط، گفته‌ها و ایرادهای عثمانیه به امیرالمؤمنین (مانند: موضع علی (ع) در برابر خطاهای عثمان و قتل او، و این که چرا امام به زعم عثمانیه از عثمان دفاع نکرد) را بیان می‌نماید و بر اساس مذهب آنان، به این ایرادها پاسخ می‌دهد. در حقیقت، بخش نخست کتاب را می‌توان با نگاهی کلی، صغرای قیاس منطقی شیخ در «الجمل» دانست. زیرا وی به دنبال این است که بگوید آنان بدون هیچ عذر و بهانه شرعی، به جنگ با خلیفه مشروع، یعنی امیرالمؤمنین (ع) برخاستند.

بخش دوم که به گزارش تفصیلی از جنگ جمل اختصاص یافته، برای تکمیل بخش نخست آمده است، و شیخ در این بخش، خود را مقید می‌کند که تنها بر اساس گزارش و منابع مورخان اهل سنت، به نقل این رویداد مهم تاریخی بپردازد تا به تعصب مذهبی متهم نشود. شیخ، هر چند این کتاب را - چنان که از ظاهر عبارت برمی‌آید - برای جامعه شیعه نوشته است، اما چون به اوضاع فکری و اجتماعی بغداد و قوف کامل داشت، آگاهانه، شیوه‌ای را برگزید تا از حیث مبنایی، مورد رد و اعتراض جامعه اهل سنت بغداد قرار نگیرد. از این جهت، او در بعد تاریخی کتاب، تنها به مورخان اهل سنت بسنده کرده است. این نکته بدین معنا نیست که شیخ مفید در نقل ماجرا به ملاحظه کاری روی آورده و برای خوشامد مخالفان، از دانسته‌ها و اعتقادات خود دست



برداشته، و یا برای رضایت خاطر عناصر افراطی در میان شیعیان، به هر خبر سست و موهوم و ساختگی دست یازیده باشد. جایگاه علمی و فقهی او برتر از آن بود که به این شیوه، خود را در معرض افکار و اندیشه‌های دیگران قرار دهد. او با اعتماد کامل و تکیه بر مکانت علمی خود، آنچه را که شایسته گفتن بود، با حریت و شجاعت، بیان کرد. برای نمونه، می‌گوید: عایشه در ابتدای جنگ، همانند پیامبر(ص) در بدر، مشتی خاک به طرف اصحاب امیرالمؤمنین(ع) پاشید و گفت: رویتان سیاه باد! آن حضرت به او فرمود: و ما رمیت اذ رمیت یا عائشه و لکن الشیطان رمی و لیعودن و بالک علیک ان شاء الله! (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۸ - ۳۴۷)

نسخه‌های خطی و چاپی کتاب

چنان که محقق سخت‌کوش کتاب‌جمل، جناب استاد میرشریفی، در مقدمه خود بیان کرده است، این کتاب با تمام اهمیتی که از آن برخوردار است، معلوم نیست که چرا نزدیک به هزار سال، مورد غفلت نویسندگان شیعی و سنی قرار داشته است؛ به گونه‌ای که حتی علامه مجلسی با تمام امکاناتی که در اختیار داشته، و نیز شاگردش میرزا عبدالله افندی آن را ندیده و چیزی از آن نقل نکرده‌اند! (همان: ۲۴ - ۲۵).

پیدا شدن این کتاب، به سال‌های اخیر (یعنی حدود پنجاه سال پیش) می‌گردد؛ که از آن، دو نسخه خطی یافت شد: نسخه اول، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۰۵۹۳ بود که تاریخ کتابت آن، سال ۱۳۳۸ ق. و نام ناسخ آن نامعلوم است؛ اما آن‌گونه که مدیر کتابخانه به محقق کتاب‌جمل گفته‌اند، احتمال می‌رود که ناسخ آن، شیخ الاسلام زنجانی بوده باشد.

نسخه دوم، نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۸۷۰ است. تاریخ کتابت ۱۳۵۲ قمری و کاتب آن محمد حسین زین العابدین ارموی می‌باشد.

با توضیحات و دلایلی که محقق کتاب بیان کرده، هیچ شک و شبهه‌ای در انتساب این کتاب به شیخ مفید وجود ندارد. با این حال، هر چند برخی از خطبه‌ها، کلمات و مطالب این نسخه با آنچه شیخ مفید در کتاب‌های دیگر خود آورده مطابقت دارد، اما پرسش این است که، با توجه به تاریخ اولین نسخه خطی، یعنی سال ۱۳۳۸ ق، چگونه می‌توان اطمینان یافت که مطالب این کتاب - از ابتدا تا انتها و بدون کم و زیاد - با نسخه

اول آن، که در هزار سال پیش، به قلم شیخ به نگارش در آمد، مطابقت کامل دارد؟ چرا که سلسله سندی در ابتدای کتاب بیان نشده تا صحت اتصال کتاب موجود به مؤلف ثابت شود. وقتی شرق شناسانی نظیر: گلدزیهر و پیروان او («جوزف ساخت»^۱ و «جان ونزبرو»^۲)، اصالت متون قرن سوم را زیر سؤال می‌برند و امکان بازسازی سیره پیامبر را - بر اساس روایات منقول - غیر ممکن می‌دانند^۳ و شاگردان «ونزبرو» («پاتریشیا کروونه»^۴ و «مایکل کوک»^۵) با این استدلال که منابع یاد شده، فاصله‌ای صد ساله با عصر رسالت دارند، و می‌گویند که منبع مکتوب و قابل اعتمادی در صدر اسلام وجود نداشته است، پس درباره اثری که تاریخ کتابت آن، هزار سال پس از وفات مؤلف است، چه باید گفت و چه اعتمادی بر آن می‌توان داشت!؟

صرف نظر از شبهه مستشرقان و پاسخ‌های متعددی که به آن داده شده است^۶، در

۱. Joseph Schacht مستشرق هلندی در کتاب «مبادی فقه اسلامی»

۲. wansbrough استاد مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی (SOAS) وابسته به دانشگاه لندن در دو کتاب «مطالعات قرآنی» و «محیط فرقه ای»

۳. برای آشنایی با اندیشه ساخت ر.ک: ساخت، جوزف، «ارزیابی مجدد احادیث اسلامی» ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، فصلنامه علوم حدیث، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۱۸ - ۱۲۸.

۴ P.Crone

۵ M.Cook

۶. بسیاری از محققان اسلامی و حتی غربی به نقد این دیدگاه پرداخته اند. کسانی چون: خانم نبیه ابوت در کتاب «مطالعاتی در پاپیروس های عربی، جلد اول: متون تاریخی و جلد دوم: تفاسیر قرآنی و روایات» و فؤاد سرگین و ویلیام مونتگمری وات (William Montgomery Watt) در مقدمه کتاب «محمد در مکه» و پروفیسور هارالد موتزکی (Harald Motzki) از حدیث پژوهان معروف آلمانی و نیز گرگور شوئلر (Gregor Schoeler) و اندریاس گورکه (Andreas Gorke). برای آگاهی بیشتر از دیدگاه مستشرقان در باره اصالت متون و روایات اسلامی و نقد این دیدگاه ر.ک: کریمی نیا، مرتضی، سیره نگاری پیامبر اسلام در غرب، آئینه پژوهش، خرداد و تیر ۱۳۸۰، شماره ۶۸، ص ۲۴ - ۲۷؛ ارزیابی مجدد احادیث اسلامی» ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، فصلنامه علوم حدیث، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۱۸ - ۱۲۸؛ نیلساز، نصرت، بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو در باره تثبیت نهایی متن قرآن، مقالات و برسیها، بهمن ۱۳۸۷، دوره ۴۱، شماره ۴؛ موتزکی، هارالد، «حدیث اسلامی: خاستگاه و سیر تطور» ترجمه مرتضی کریمی نیا، قم: انتشارات دارالحدیث قم؛ موتزکی، هارالد، خاستگاه فقه اسلامی: فقه مکی پیش از مذاهب متقدم (Classical Schools The Origins of Islamic Jurisprudence Meccan Fiqh the)، محمود سیفی، کتاب ماه دین، شماره ۶۷ - ۶۶، ص ۸۹ - ۹۱، اردیبهشت ۱۳۸۲. موتزکی در این نوشتار به نقد دیدگاه ساخت و روش او پرداخته است و با تشریح کتاب المصنف عبدالرزاق اولان نشان داده که اطلاعات ساخت ناقص بوده و از این منبع اطلاعی نداشته و ثانیاً نوشته‌های کهن سده نخستین که در آن جمع شده بدون تغییر به نسل بعد منتقل شده است؛ «معضل منابع در سیره‌نگاری پیامبر» به سرویراستاری هارالد موتزکی. لیسن، انتشارات بریل ۲۰۰۰



خصوص کتاب الجمل می‌توان گفت که:

۱. نسخه‌های خطی پس از استنساخ از بین می‌رفت؛ یعنی وقتی ناسخ از روی نسخه قبلی استنساخ می‌کرد، ضرورتی در نگه‌داشتن نسخه قبلی نمی‌دید و آن را از بین می‌برد.

۲. نسخه موجود، به دلیل عدم وجود مدعی بر آن، کاشف از این است که مطابقت با اصل دارد. علاوه بر این، محقق کتاب، در مقدمه، شواهد متعدد دیگری آورده است که وحدت این نسخه را با نسخه‌های سابق اثبات می‌کند. مهم‌ترین آن‌ها، سبک‌شناسی و وجود گزارش‌های جمل در تألیف‌های دیگر شیخ مفید و نیز تصریح به نام او در برخی نسخه‌های خطی کتاب الجمل است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، مقدمه مصحح: ۲۵ - ۲۶).

چاپ‌های کتاب

کتاب الجمل، نخستین بار در نجف اشرف، در مطبعة الحیدریه، به تصحیح محمد صادق بحر العلوم، و بار دوم به تحقیق عبدالرزاق موسوی مفرم، منتشر شد و بار سوم، افست آن در «مکتبه الداوری» قم به چاپ رسید.

این چاپ با اغلاط چاپی و افتادگی‌های زیادی همراه بود که نمی‌تواند از قلم نویسنده‌ای چون شیخ مفید بوده باشد. لذا با توجه به این که این کتاب از زخارف شیعه به شمار می‌رود نیاز داشت تا با تحقیقی جامع، متن این کتاب مهم احیا گردد. بر این اساس استاد میرشریفی، با احاطه علمی که به تاریخ داشت و با کمک برخی از استادان فن - که نامشان در مقدمه تحقیق آمده - و زحمت زیاد و صرف چند سال وقت، توانست کتاب الجمل را به بهترین وجه، به مناسبت هزارمین سالگرد وفات شیخ، به کنگره بین‌المللی شیخ مفید ارائه کند و جامعه علمی را از این منبع غنی تاریخی، کلامی شیعه بهره‌مند سازد. این کتاب، در سال ۱۳۷۲ شمسی، به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. امتیازات و ویژگی‌های مهم این تحقیق عبارتند از:

میلادری، ۳۳۰ صفحه. این کتاب مجموعه مقاله‌های همایشی است که در نوامبر ۱۹۹۷ در دانشگاه نایمخن هلند (University of Nijmegen) برگزار شده است. این کتاب توسط محقق ارجمند محمد کاظم رحمتی معرفی شده است. ر.ک: مجله گلستان قرآن، مهر ۱۳۸۰، شماره ۸۴ ص ۴۵. این مقاله بر روی سایت پایگاه اطلاع رسانی موسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث موجود است.

۱. تصحیح کتاب بر اساس دو نسخه خطی و چاپی، و اشاره به اختلاف نسخ در پاورقی و بیان مورد صحیح؛
۲. اعراب گذاری فنی متن.
۳. منبع یابی مطالب کتاب، اعم از آیات، روایات، اقوال و اخبار در کتاب‌های معتبر شیعی و سنی به طور گسترده و جامع.
۴. توضیح و معرفی فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی در متن.
۵. توضیح درباره برخی لغات مشکل و همچنین اخبار و گزارش‌های تاریخی در پاورقی؛
۶. تقطیع متن و عنوان گذاری برای آن‌ها.
۷. استخراج اعلام و معرفی کوتاه آنان.
۸. ارائه فهرس مختلف فنی پانزده گانه.
۹. ارائه شرحی کوتاه و ارزشمند در باره شیخ مفید و خدمات علمی و فرهنگی او.

ترجمه‌های کتاب

این کتاب به دو زبان فارسی و فرانسوی ترجمه شده است. ترجمه فرانسوی آن به دست محقق نرسیده و اطلاعی در باره آن موجود نیست. اما ترجمه فارسی آن با عنوان «نبرد جمل» توسط استاد ارجمند دکتر محمود مهدوی دامغانی به انجام رسیده است. این ترجمه که بر اساس چاپ غیر منقح نجف صورت گرفته است، طبعاً از اغلاط متن اصلی، خالی نیست. لذا جای ترجمه جدیدی از این کتاب - بر اساس چاپ تحقیقی جدید - همچنان خالی است.

نتیجه

آنچه به نیکی می‌توان از کتاب الجمل دریافت، این است که هر چند یک رویداد تاریخی، موضوع این کتاب است اما شیخ مفید، نشان داده است که یک موضوع تاریخی، تا چه میزان می‌تواند بر عقاید و باورهای دینی تأثیرگذار باشد. مهم این که، اولاً؛ باید با دقت و تخصص جامع، اخبار صحیح را از سقیم تمیز داد و ثانیاً؛ چگونگی استدلال از این گونه روایات و گزارش‌ها را برای استحکام پایه‌های مسائل اعتقادی فرا گرفت. شیخ در هر دو جهت تاریخی و کلامی رویداد جمل، توانسته با ایجاد زبانی مشترک - بر پایه مبانی مورد وفاق خود و دیگران - یک گفتمان عالمانه - به دور از هر



گونه هیاهو- در جامعه علمی و فرهنگی مسلمانان پدید آورد و نشان دهد که فرقه های اسلامی با تکیه بر اصول علمی و اجتناب از جزم و جمود و تعصب، می‌توانند امکان گفتگو در باب مسائل تاریخی، فکری و اعتقادی را - حتی اگر چالش برانگیز هم باشند- فراهم سازند.

کتابنامه

۱. آغا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳)، *الذريعة الى تصانيف الشيعه*، بيروت، دار الاضواء.
۲. ابن اثير، عزالدین علی (۱۳۹۹)، *الکامل فی التاريخ*، بيروت، دار صادر.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی ۴. عبدالقادر عطا، بيروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۶)، *لسان المیزان*، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بيروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه تاریخ العربی.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق گروهی، نجف، المطبعة الحیدریه.
۶. ابن عدی، ابو احمد عبد الله (۱۴۱۸)، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بيروت، دار الکتب العلمیه.
۷. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۵)، *الاختلاف فی اللفظ و الرد علی الجهمیه و المشبهه*، بيروت، دار الکتب العلمیه.
۸. ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۸)، *البدایة و النهایة*، بيروت، دارالفکر.
۹. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۸)، *نقد و بررسی منابع سیره نبوی*، تهران، سازمان سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف المرعشلی، بيروت، دار المعرفه.
۱۱. حموی، یاقوت (۱۴۰۸)، *معجم الادباء*، بيروت، دارالفکر.
۱۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد أ و مدینه السلام*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بيروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. خوانساری، محمد باقرین زین العابدین (۱۳۹۰)، *روضات الجنات فی احوال علما و السادات*، قم، اسماعیلیان.



۱۴. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۰)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارنؤوط، مؤسسة الرساله.
۱۵. _____ (۱۴۰۷)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام (عهد الخلفاء الراشدين)*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۶. زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰)، *الأعلام*؛ بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن (م ۴۶۰)، *الفهرست*، تحقیق شیخ جواد القیومی، مؤسسة النشر الفقاهة، ۱۴۱۷.
۱۸. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، *مصنفات الشیخ المفید (الجمال او النصره لسید العنصرة فی حرب البصرة)*، تحقیق سید علی ۲۰. میر شریفی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۱۹. موتزکی، هارالد (۱۳۹۰)، *حدیث اسلامی: خاستگاه و سیر تطور*، ترجمه مرتضی کریمی نیا، قم: انتشارات دارالحدیث.
۲۰. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶)، *رجال النجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۱. یافعی، عبدالله بن اسعد (۱۴۱۷)، *مرآت الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- مجلات**
۱. شاخت، جوزف (۱۳۸۳)، «ارزیابی مجدد احادیث اسلامی» ترجمه محمد حسن محمدی مظفر، *فصلنامه علوم حدیث*، سال نهم، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۸۳: ۱۱۸ - ۱۲۸.
۲. کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۰)، «سیره نگاری پیامبر اسلام در غرب»، *آئینه پژوهش*، شماره ۶۸: ۲۴ - ۲۷.
۳. موتزکی، هارالد (۱۳۸۲)، «خاستگاه فقه اسلامی: فقه مکی پیش از مذاهب متقدم»، محمود سیفی، *کتاب ماه دین*، شماره ۶۷ - ۶۶: ۸۹ - ۹۱.
۴. نیل ساز، نصرت (۱۳۸۷)، «بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو در باره تثبیت نهایی متن

قرآن، مقالات و بررسیها، دوره ۴۱، شماره ۴.